بسمه تعالی

**رزمایش اقتدار مردمی در 22 بهمن ماه 1403- رسول سنائی راد**

**مقدمه**

انقلاب اسلامی ایران وارد چهل و هفتمین سال عمر پربرکتش پس از پیروزی در بهمن ۱۳۵۷ می‌شود و بر خلاف توهمات دشمنان و معاندانش که از همان بدو پیروزی اش به سرنگونی آن در 6 ماه یا یک سال بعد چشم دوخته بودند، همچنان پابرجا مانده و به درختی تنومند تبدیل شده است.

 این شجره طیبه در طی این سالیان دور و دراز حوادث سخت و سهمگینی به خود دیده که طیفی از انواع نبرد نظامی، سیاسی، فرهنگی تا تحریم و فشار اقتصادی را شامل می‌شود.

 این حوادث هرچند به شاخ و برگ و ساقه این درخت آسیب‌هایی وارد ساخته اما نتوانسته روند رشد و استحکام آن را مختل و تاثیری بر ریشه‌های عمیق و مستحکم آن بگذارد. حتی چنین حوادثی فرصت‌هایی برای تقویت پایداری و مانایی آن در برابر آسیب‌ها و آفات تبدیل شده و به استحکام آن افزوده است. همین پایداری و مانایی است که به عصبانیت دشمنان از آن همه تلاش بیهوده دامن زده و به تشدید دشمنی و ترکیب دشمنی ها انجامیده و این ولیده نورانی را در معرض تهدید و جنگ ترکیبی قرار داده است.

 رکن اصلی در جنگ ترکیبی، جنگ شناختی و روانی است که متکی بر تغییر باورها و شکست اراده‌ها در مسیر مقاومت و سوق یافتن به بی‌تفاوتی و احساس واماندگی و بیهوده پنداشتن ایستادن و مبارزه و توقف روند و حرکت انقلاب به سمت تمدن سازی یا به عبارتی نافرجام ماندن انقلاب اسلامی است. یعنی هدفی که دشمن نتوانسته از مسیر جنگ مستقیم و رویاروی کسب کند، تلاش دارد با انحراف در باورها و انگاره‌ها و سلب اراده‌ها، بدان دست یابد.

 یکی از دلایل و عواملی که دشمنان را در شرایط فعلی به سمت آزمایش شانس خود برای اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران و جمهوری اسلامی برآمده از آن کشانده پیش فرض‌ها و محاسبات غلطی است که تحولات منطقه‌ای به ویژه حوادث لبنان و سوریه مبنای آن است.

**الف- طراحی برای اغتشاش و آشوب داخلی**

«شورش و اغتشاش داخلی» در کنارکودتا و یا مداخله نظامی علیه انقلاب‌ها و نظام‌های سیاسی مستقل، یکی از شیوه‌های رایج براندازی است که قدرت‌های استعمارگر با کمک عوامل نفوذ یا فریب خورده و مزدور خود به کار گرفته و دارای سابقه طولانی است.

 با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ هم اغتشاش و آشوب داخلی در دستور کار دشمنان انقلاب بوده و به ویژه پس از جنگ تحمیلی و از دهه هفتاد، بارها تلاش کردند با تغییراتی در ظاهر آن و به کارگیری نمادهایی از انقلاب اسلامی حتی به آن صورتی انقلابی داده و علیه نظام جمهوری مورد استفاده قرار دهند.

 در نگاه به چنین طرحی، همواره هرگونه اقدام اعتراضی به سرعت مورد استقبال و پیگیری گروهک‌های برانداز و دشمنان بیرونی قرار گرفته و بهانه‌ای برای موج سواری و تبدیل آن به اغتشاش و آشوب بوده که فتنه سال ۸۸ نمونه مشخص و معروف آن است. در این فتنه بهانه‌ها و اعتراضات انتخاباتی که می‌توانست در مسیر قانونی پاسخ گرفته و پایان یابد، به بستری برای موج سواری عناصر ضد انقلاب و ورود دشمنان بیرونی برای هدایتگری و تبدیل آن به انقلاب رنگی و براندازی تبدیل شد.

 در این فتنه که با ظلم قدرت طلبان به نظام با تهمت تقلب در انتخابات شکل گرفت کسانی به حرمت شکنی علیه انقلاب و مقدسات رو آوردند که با گرایش ضد انقلابی و یا پادویی و مزدوری برای دشمنان در انتخابات شرکت نکرده بودند ولی ادعای تقلب در رای خود را داشتند.

با شکست فتنه در مواجهه با حماسه نهم دی که در واقع حرف پایانی را مردم زده و به اغتشاشات هشت ماهه پایان دادند، دشمن ظرفیت نارضایتی و روحیه اعتراضی را به عنوان فرصتی برای انتقام جویی از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران تلقی و برای حفظ و توسعه آن، حربه تحریم‌های اقتصادی را به کار گرفت که به تعبیر رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی، حربه‌ای برای عاصی سازی مردم به حساب می‌آید.

 به موازات بهره‌گیری از تحریم‌های اقتصادی برای تولید فشار و ایجاد نارضایتی، تجربه انحراف بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ که با توقف اعتراضات علیه نظام‌های دیکتاتوری وابسته و شکل‌گیری شورش و جنگ داخلی در سوریه و سپس پدیدآمدن داعش و تسری اغتشاشات به عراق انجامید، طرح آشوب و جنگ داخلی در کشورهای مستقل، در ذیل «بی‌ثباتی سازنده» نظریه پردازی و برای اجرای نقشه خاورمیانه بزرگ مورد بهره برداری قرار گرفت.

گرچه با شکست داعش در سوریه و عراق، این سیاست تا حدودی به حاشیه رفت، اما شکست رژیم اسد با موج جدید تحولات در سوریه و تصرف دمشق توسط شورشیان تکفیری که در پوشش آزادی مردم سوریه به عنوان انقلابی مردمی، بزک شده بود، طرح شورش و اغتشاش داخلی مجدداً در دستور کار دشمنان استقلال و قدرت جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

 تاکید یک مقام آمریکایی بر اینکه آمریکایی‌ها حاضرند از هرگونه اقدام و اعتراض مردمی در ایران حمایت کنند نشانه‌ای از طراحی جدید دشمنان انقلاب و نظام اسلامی برای کشاندن کشور به آشوب و جنگ داخلی بود که با واکنش تند رهبر معظم انقلاب اسلامی مواجه شد.

 امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در پاسخ به این شیطنت آمریکا تاکید فرمودند؛ «یک عنصر آمریکایی از مسئولین آمریکایی، جزو گزافه‌گویی‌هایش این است که می‌گوید؛ هر کسی در ایران اغتشاش کند، ما کمکش می‌کنیم. مجموع حرفش این است، به این تصریح نمی‌کند، اما حرفش این است. در لفافه بیان می‌کند اما کاملاً روشن است که این را می‌گوید.»

 احمق‌ها بوی کباب شنیده اند، نکته اول اینکه «ملت ایران هر کسی را که مزدوری آمریکا را در این زمینه قبول کند در زیر گام‌های محکم خود لگد مال خواهند کرد.» جالب اینکه چنین توهمی فقط به آمریکایی ها محدود نماند و در ادامه هم انگلیسی‌ها به میدان آمدند و مارک فلیپ سدویل، مشاور امنیت ملی بریتانیا در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ در جزوه‌ای که تحت عنوان «تغییر سیاست» که در ۱۳ ژانویه ۲۰۲۵ منتشر شد، نوشت: بریتانیا باید از حداکثر تحریم‌های اقتصادی مورد انتظار دونالد ترامپ علیه ایران به عنوان بخشی از تلاش برای تشویق شهروندان ایرانی به پایان دادن حمایت خود از رژیم فعلی ایران حمایت کند.

او وقاحت را تا آن اندازه به خرج می دهد که پیشنهاد می کند؛ بریتانیا باید با این سیاست، نقش رهبری خود علیه رژیم ایران را نشان دهد.

 علت این وقاحت و سخن گفتن از اقدام علیه جمهوری اسلامی با ایجاد اغتشاش و آشوب را می‌توان در محاسبات غلط دشمنان جستجو کرد که بر پایه چند مفروض اشتباه بنا شده است. مفروضاتی چون؛ 1- جمهوری اسلامی ایران در شرایط ضعف قرار گرفته است.

2- مردم ایران در وضعیت نارضایتی شدید و اعتراض قرار دارند.

3- تبدیل این وضعیت اعتراضی به شورش و اغتشاش تنها به یک عامل شتاب دهنده و رهبری نیاز دارد.

 اینجاست که دشمن با وقاحت نقش رهبری خود را اعلام داشته و علنی می‌سازند و در توهم کلید زدن و هدایت آشوب و جنگ داخلی در ایران اسلامی به سر می برند.

**ب- بیهودگی نقشه دشمن برای براندازی از طریق اغتشاش و آشوب**

 با اینکه ۴۶ سال از پیروزی انقلاب اسلامی سپری شده و دشمنان آن از هیچ تهدید و نیرنگی فروگذار نبوده اند، اما در شناخت عمیق و دقیق انقلاب و نظام اسلامی همچنان دچار عقب ماندگی و اشکال بوده و گرفتار نگاهی کلیشه‌ای هستند.

 همین نگاه موجب اشتباه محاسباتی آنان و دست زدن به اقداماتی شده که گرچه زحماتی را برای ما فراهم کرده اما شکست‌ها و آبروریزی‌های بزرگی هم برای دشمنان داشته است.

در فتنه 88 دشمنان با تصور غلط امکان پیاده سازی انقلاب رنگی، حماسه بزرگ مشارکت 85 درصدی را در کام مردم تلخ کردند. حال آنکه با وجود رهبری، پیوند نظام با عقاید دینی و حمایت و همراهی مردم که تفاوت های راهبردی با کشورهایی مثل گرجستان و قزاقستان پدید می‌آورد، چنین طرحی محکوم به شکست بود.

 در شرایط فعلی هم می‌توان بیهودگی طرح دشمن را به خوبی دید و به راحتی حدس زد.

 چرا که جامعه ایرانی از ویژگی‌هایی برخوردار است که هیچ طرحی با حضور و نشان دشمن پیش نمی رود. ویژگی هایی چون؛

1- وجود رهبری حکیم و برخوردار از نفوذ معنوی و سیاسی.

2- بصیرت و عمق دشمن‌شناسی در مردم و بلوغ سیاسی ناشی از سال‌ها حضور در عرصه سیاسی و آشنایی با تحولات سیاسی- تاریخی.

3- برخورداری مردم از روحیه بیگانه ستیزی و ننگ شمردن هرگونه وابستگی و پیروی از دشمنان.

4- توان بسیج گری نظام و به میدان آوردن انبوه مردم در برابر تهدیدات و توطئه‌ها.

5- آگاهی و قدرشناسی مردم نسبت به امنیت و تجربه تلخ ناامنی در تاریخ گذشته کشور و تاریخ فعلی منطقه.

 در هر پدیده‌ای که حضور بیگانه احساس شود، خروجی آن فاصله گرفتن مردم از مزدوران دشمن و همبستگی و اتحاد در برابر دشمن خواهد بود.

به عبارتی، گرچه در بخش‌هایی از جامعه نارضایتی‌ها و گلایه‌مندی‌هایی وجود دارد که گاه شکل اعتراضی نیز به خود می‌گیرد، اما وقتی پای بیگانه یا مزدوران آن در میان باشد، این نارضایتی رنگ باخته و دفاع از حاکمیت و منافع و امنیت ملی موضوع و محورهای اصلی وحدت و انسجام داخلی می‌شود.

با این وجود، حامیان نظام نباید از طرح دشمن غافل بوده و نسبت به مهار آن غفلت کنند.

 نمایش اقتدار یکی از شیوه های بازدارندگی در برابر دشمنان و معاندان به حساب می آید که رزمایش نظامی یکی از شقوق آن برای دادن پیام قدرت به دشمن و ممانعت از اقدام او به حمله و هجوم است.

از این رو در ماه‌های اخیر شاهد برگزاری رزمایش‌های مرکب و پیچیده نظامی برای اصلاح محاسبات دشمن و جلوگیری از تهدیدات و تهاجمات احتمالی هستیم که بازتاب آن هراس دشمن از اقدام علیه ما یا همان تقویت بازدارندگی بوده است.

 اما یکی از شیوه‌های موثر و کم هزینه‌تر برای خنثی سازی توطئه های داخلی نمایش اقتدار مردمی نظام است که با به کارگیری قدرت بسیج کنندگی و برپایی اجتماعات بزرگ مردمی شکل می‌گیرد.

 راهپیمایی‌های مردمی در روز قدس، ۲۲ بهمن از جمله جلوه‌های پایدار این نمایش اقتدار است که متکی بر انگیزه‌های انقلابی و معنوی طرفداران انقلاب و حامیان نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و همه ساله برگزار می‌شود.

 چنین اجتماعی در شرایط فعلی و در پیوند با وضعیت نظامی، امنیتی و سیاسی کشور یک ضرورت قطعی برای اصلاح محاسبات دشمن و ارسال پیام قدرت به دشمنان و پادوهای داخلی آنان است. از این رو شرکت در راهپیمایی مردمی ۲۲ بهمن را باید از جنس مجاهدت‌های حزب ا... لبنان و حماس در غزه دانست که به عنوان اصلی‌ترین عامل مهار رژیم صهیونیستی به حساب می‌آمد و در صورتی که این مجاهدت‌های عاشورایی وجود نداشت، تهاجم و خسارت این سگ هار به مراتب شدیدتر و پرهزینه تر بود.

خوشبختانه تجربه نشان می دهد، جمهوری اسلامی ایران توان بسیج گری و به میدان آوردن انبوه مردم را از دوران نهضت انقلابی تا کنون داشته و حفظ نموده که در بزنگاه‌های تاریخی شکل حماسی به خود می‌گیرد که حماسه‌ای مثل حماسه ۹ دی ۱۳۵۸ نمونه معروف آن است.

 برگزاری مراسم ۲۲ بهمن امسال هم باید قواره و شکلی حماسی و پرشور به خود بگیرد تا با اصلاح محاسبات غلط دشمن از عملیاتی شدن نقشه خبیثانه و خطرناک اغتشاش و جنگ داخلی در کشور جلوگیری کند.